

ادامه مطلب هشتم: دلالت و عدم دلالت امر بر مره یا تکرار

بیان شد که یکی دیگر از مطالبی که در راستای بررسی مبحث هفتم و تبیین مدلول اوامر مستعمله در لسان شارع باید مورد تحقیق قرار گیرد آن است که آیا امر و یا آنچه به معنای امر می باشد، علاوه بر وجوب، دلالت بر مره یا تکرار نیز دارد یا خیر؟ بیان گردید که بحث از این مطلب نیز ذیل چند امر قابل تعقیب است. از این میان، امر اول یعنی پیشینه تاریخی بحث و امر دوم یعنی تحریر محل نزاع بیان گردید. در ادامه، به بیان امر سوم، یعنی اقوال در مسأله می پردازیم.

امر سوم: اقوال در مسأله

در اینکه آیا امر فاقد قرائن، دلالت بر مره یا تکرار می نماید و یا آنکه دلالت بر هیچ کدام ندارد، میان علما و اندیشمندان اصولی اختلاف وجود دارد. مهم ترین اقوال عبارتند از:

- ۱- امر دلالت بر مره داشته و استفاده تکرار، نیاز به دلیل خارجی دارد. شیخ طوسی «رحمة الله علیه» در العدة^۱، این قول را به اکثر متکلمین و فقهاء نسبت داده، و به نقل این قول از ابو الحسن کرخی و استظهار آن از کلام شافعی تصریح نموده و سپس این قول را اختیار نموده اند.
- ۲- امر دلالت بر تکرار می نماید. شیخ طوسی «رحمة الله علیه» در العدة^۲، این قول را به شواذ از علماء نسبت داده اند و آمدی در الاحکام^۳، آن را به ابو اسحاق اسفراینی و جماعتی از فقهاء و متکلمین نسبت داده است.
- ۳- عده ای قائل به توقف شده اند به این معنا که دلالت امر بر مره قطعی است، ولی نسبت به دلالت آن بر ما زاد بر مره، نفیاً و اثباتاً توقف نموده اند. سید مرتضی در الذریعة^۴، همین نظریه را دارد و آمدی^۵ آن را به ابو المعالی، امام الحرمین جوینی نسبت داده است.

۱- ایشان در العدة فی اصول الفقه، جلد ۱، صفحه ۱۹۹ می فرمایند: «ذهب أكثر المتکلمین و الفقهاء إلى أن الأمر بالشيء لا يقتضي بظاهرة أكثر من فعل مرة، و يحتاج في زيادته إلى دليل آخر، و هو المحكي عن أبي الحسن، و الظاهر من قول الشافعي». ایشان پس از نقل اقوال دیگر در مقام بیان مختار خود می فرمایند: «فالذي اختاره المذهب الأول، و الذي يدل على ذلك: أن الأمر في الشاهد على وتيرة واحدة إذا سبرناه يقتضي الفعل مرة واحدة، و لا يفهم من ظاهره إلا ذلك، أ لا ترى أن من قال لغلالمه: «اسقني ماء» لا يعقل منه أكثر من مرة واحدة».

۲- ایشان در العدة فی اصول الفقه، جلد ۱، صفحه ۲۰۰ می فرمایند: «و قال قوم شذاذ أن الأمر بظاهرة يقتضي التكرار».

۳- ایشان در الاحکام، جلد ۲، صفحه ۱۵۵ می گوید: «اختلف الأصوليون في الامر العربي عن القرائن: فذهب الأستاذ أبو إسحاق الأسفراینی و جماعة من الفقهاء و المتکلمین إلى أنه مقتض للتكرار المستوعب لزمان العمر مع الامكان».

۴- ایشان در الذریعة الی اصول الشریعة، جلد ۱، صفحه ۱۰۰، در مقام بیان استدلال بر قول به توقف می فرمایند: «و قال صاحب الوقف: أراد المرّة بلا شك، و ما زاد عليها لست أعلم هل أرادها، كما قال أصحاب التكرار، أو لم يرد، كما قال أصحاب المرّة، فأنا واقف فيما زاد على المرّة لا فيها نفسها، و هذا هو الصحيح».

۴- امر، نه به لحاظ هیئت و نه به لحاظ ماده، بر هیچ یک از مژه و تکرار - به هیچ یک از معانی مذکور در محلّ نزاع - دلالت ندارد، بلکه تنها بر طلب شیء به صورت مطلق دلالت داشته و اراده هر یک از مژه و تکرار، نیازمند دلیل و قرینه می باشد. اکثر اصولیون اهل سنت مثل شیرازی در اللمع^۲، غزالی در المستصفی^۳، فخر رازی در المحصول^۴، ابن حزم در الاحکام^۵ و همچنین اکثر قریب به اتفاق اصولیون شیعه در قرون اخیر، همین نظریه را اختیار نموده و مختار ما نیز می باشد. چون دلالت امر بر هر یک از مژه و تکرار، یا ناشی از خود امر یعنی هیئت و یا ماده آن به حسب وضع و یا ظهور و اطلاق است و یا ناشی از وجود قرائن عامه، و در ما نحن فیه، هر دو منتفی است.

توضیح مطلب نیازمند آن است که بحث در دو مرحله پیگیری گردد.

مرحله اوّل: مقتضای نفس امر

در این مرحله باید بررسی شود که آیا امر به خودی خود، بر مطلوبیّت ایجاد یا موجود، مژه یا مکرراً دلالت دارد و یا آنکه بر هیچ کدام دلالتی ندارد؟ تحقیق مطلب آن است که صیغه امر به خودی خود، هیچ دلالتی بر مژه به صورت تعیینی و یا تکرار به صورت لزومی ندارد. چون دلالت صیغه امر بر مژه و تکرار، یا به لحاظ ماده آن می باشد و یا به لحاظ هیئت آن، در حالی که دلالت هر یک از این دو، بر مژه و تکرار، منتفی می باشد.

اما ماده امر دلالت ندارد، چون ماده هر امری از اوامر، بالوضع، تنها دلالت بر موضوع له لغوی یا عرفی و یا شرعی خود دارد و بالاطلاق نیز تنها بر طبیعت موضوع له و صرف الوجود آن دلالت می نماید.

و اما هیئت امر دلالت ندارد، چون همان گونه که مکرراً بیان شد، هیئت «إفعل» و آنچه به معنای آن می باشد، چه به دلالت وضعی و چه به دلالت اطلاق، تنها بر طلب لزومی دلالت دارد و اثبات اراده طلبی که به یک دفعه ایجاد یا یک فرد از موجود و یا ایجاد های متعدّد یا موجودات متکثر، تعلق گرفته باشد، نیاز به دلیل و قرینه خارجی دارد و زمانی که امر بر هیچ کدام

۱- ایشان در الاحکام، جلد ۲، صفحه ۱۵۵ می گوید: «ومنهم من توقف في الزيادة ولم يقض فيها بنفي ولا إثبات، وإليه ميل إمام الحرمين والواقفية».

۲- ایشان در اللمع فی اصول الفقه، صفحه ۶۹ می گوید: «ومن اصحابنا من قال يجب تكراره على حسب الطاقة ومنهم من قال لا يجب أكثر من مرة واحدة إلا بدليل يدل على التكرار وهو الصحيح».

۳- ایشان در المستصفی، صفحه ۲۱۲ می گوید: «والمختار أن المرة الواحدة معلومة وحصول براءة الذمة بمجرد ما مختلف فيه، واللفظ بوضعه ليس فيه دلالة على نفي الزيادة ولا على إثباتها».

۴- ایشان در المحصول، جلد ۲، صفحه ۹۸ می گوید: «الأمر المطلق لا يفيد التكرار بل يفيد طلب الماهية من غير إشعار بالوحدة والكثرة إلا أن ذلك المطلوب لما حصل بالمرة الواحدة لا جرم يكتفى بها».

۵- ایشان در الاحکام، جلد ۳، صفحه ۳۱۶ می گوید: «قال علي: اختلف الناس في الامر، إذا ورد بفعل ما، هل يخرج من فعله مرة عن اسم المعصية، أو يتكرر عليه الامر أبداً فيلزمه التكرار له ما أمكنه، فبكلا القولين قال القائلون. قال علي: والصواب أن المطيع غير العاصي، ومحال أن يكون الانسان مطيعاً عاصياً من وجه واحد. فمن أمر بفعل ما ولم يأت نص بإيجاب تكراره، ففعله فقد استحق اسم مطيع، وارتفع عنه اسم عاصي بيقين، وكل شيء بطل فلا يعود إلا بيقين من نص أو إجماع».

دلالت نداشت، امثال این امر، چه با یک دفعه ایجاد، چه با ایجاد متعدّد و چه با مأتیّ به واحد، چه با مأتیّ به متکثر، قابل تحقّق می باشد. چون مدلول و متعلّق امر، با هر یک از این موارد قابل تحقّق است.

مرحله دوّم: مقتضای قرائن عامّه

در این مرحله باید بررسی شود که آیا قطع نظر از مدلول امر به لحاظ هیئت و مادّه، دلیل خارجی فراگیر و یا قرینه عامه ای وجود دارد تا ثابت نماید اصل و قاعده در اوامر شارع مقدّس، اراده متعلّق، مرّة واحدة یا اراده متعلّق، مکرراً می باشد - همان گونه که در باب فور، قرینه عامه بر اراده فوریت وجود داشت - و یا آنکه هیچ قرینه عامه ای که اراده مرّه و یا تکرار، به هر یک از دو معنای مبحث عنه را ثابت نماید، وجود ندارد؟

قائلین به دلالت امر بر مرّه و قائلین به دلالت آن بر تکرار، سعی نموده اند اموری را به عنوان قرائن عامه و ادله خارجیّه برای اثبات مدّعی خود، ذکر نمایند که از نگاه تحقیقی، هیچ یک از آنها، قرینیت و دلالت بر مدّعی آنان ندارد. لذا بعضی از مهمترین قواعد و ادله قائلین به مرّه و تکرار، نقل شده و مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»